

با مسلمانان جهان نزویک شویم

س - هدی

نقش علمای شیعه

در استقلال کشور عراق

مبارزه تبدیل بجهاد میشود:

گفتیم که آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی به عمال نیروهای اشراف که حاکم علی الاطلاق عراق شده بودند، تذکره داد که دست از سر مردم بردارند و استقلال آنها را برسمیت بشناسند، و برای همین منظور جواب مفصلی بنامه مستریولی حاکم انگلیسی نوشت و باو گوشزد کرد که اگر جلوتظاهرات صلح جویانه مردم را بگیرند، واکنش این عمل بسیار سخت خواهد بود که تفصیل آن در شماره قبل گذشت.

تذکره منطقی آیه الله شیرازی در آنها موثر واقع نشد، بلکه عده ای از مردم مسلمان و علماء و کربلا، را دستگیر و به «جزیره هنگام» در خلیج فارس تبعید کردند که از جمله آنها فرزند آیه الله شیرازی، آقای شیخ محمد رضا بود، و علاوه عده ای از تظاهر کنندگان و جمله «رابین توقیف و سپس تبعید کردند، و در «نجف الاشرف» نیز توقیف های دسته جمعی شروع شد...

فشار و تضییق، روز بروز بیشتر شد، دیگر مردم امنیت و آسایشی نداشتند و سرانجام آیه الله شیرازی در جواب استفتاء از «توسل بقوه دفاعیه» فتوی داد که: «مطالبه حقوق بر همه مآثرها واجب است. والیته بر آنها لازم است که تا آنجا که میتوانند در این موضوع رعایت آرامش و صلح را بکنند، ولی اگر آنها از قبول خواستهای مردم خودداری کنند، مردم میتوانند به قوه دفاعیه توسل کنند. الاحقر محمد تقی الحائری الشیرازی»

بدنبال این فتوا رؤسای قبایل عراق به حکومت (نمایندگان بریتانیا) پیام فرستادند که اگر هر چه زودتر دستگیر شدگان آزاد نشوند و بخواستهای مشروع مردم توجیهی نشود کار بجای باریکی خواهد کشید!...

در خلال همین جریانات بود که حکومت ایران برای جلب توجه آیه الله شیرازی، در مسئله اختلاف عراق و انگلیس دخالت کرد و از انگلستان خواست که فرزند آیه الله شیرازی را بایران بفرستد و حکومت انگلیس هم بلافاصله برای خاموش ساختن مردم، فرزند آیه الله شیرازی را از طریق بندرعباس بایران فرستاد.

ولی این اقدامات هرگز نتوانست مردم مسلمان عراق را خاموش کند و دسران انقلاب ملی بیانیه ای از بریتانیا خواستند که:

- ۱- استقلال تمام عراق برسمیت شناخته شود.
- ۲- جنگ و کشتار درجهت ورمیته و اطراف آن خاتمه یابد.
- ۳- جمیع دستگیر شدگان، و در رأس آنها آقا شیخ محمد رضا شیرازی بسوطن خود برگردند.

۴- تمام حکام و سیاسون و قوای انگلیسی از سراسر عراق احضار شده و در پایتخت جمع شوند! تا مذاکرات طرفین آغاز شود...

مردم عراق تحت رهبری آیه الله شیرازی، سرگرم مبارزه و تهیه مقدمات «جهاد بزرگ» بودند که در سوم ذی حجه الحرام ۱۳۳۸ هـ آیه الله شیرازی برحمت ایزدی پیوست، و آیه الله شیخ فتح الله اصفهانی و شیخ الشریعه، بجای ایشان نشست، و در نخستین اجتماع که بمناسبتی در نجف تشکیل شده بود پس از قرائت آیاتی چند از قرآن مجید اعلام داشت که: «باید از همان راهی برویم که آیه الله شیرازی رفت...» (۱)

مبارزه ادامه یافت رهبران انقلاب و رؤسای قباائل، به پیروی از دستورات علمای شیعه، آخرین اتمام حجت خود را با عمال انگلیسی کردند، ولی باز فایده نبخشد، و فشار ادامه یافت، تا اینکه در سراسر عراق نیروهای ملی مجاهدین، عشایر و قباایل، مسلحانه وارد کارزار شده و در ۱۴ «جبهه» جنگ را شروع کردند (۲)

مدت چند ماه جنگ در سراسر جبهه ها ادامه داشت. و در تمام جبهه ها، بلخصوص در جبهه نجف اشرف که آنرا پایتخت انقلاب نام داده بودند و بقول سرپرسی کاکس، انگلیسی «بخاری در چشم سیاست بریتانیا بود» (۳) علماء و طلاب علوم دینی اسلحه بدست گرفته و علیه

- ۱- تاریخ العراق السیاسی الحدیث ج ۱ ط لبنان ص ۱۳۹.
- ۲- برای مزید اطلاع از جریاناتی که در ۱۴ جبهه جنگی گذشته است، به کتاب «الثورة العراقية الكبرى» ص ۱۶۴ تا ۱۷۰ رجوع شود.
- ۳- تاریخ العراق السیاسی الحدیث ج ۱ ص ۱۰۹. بنقل از نامه های «مسئل» ص ۵۱۸.

استعمار و نیروهای اشغالگر می‌چنگیدند، ولی بعد از چند ماه جنگ سخت و تلفات زیاد، در اثر تقویت فوق‌العاده نیروهای دشمن (که تعداد نفرات آن متجاوز از ۱۳۰۰۰ نفر بودند) و تجهیزات کامل جنگی، و حمله‌های سخت، جبهه‌های مجاهدین ملی، یکی پس از دیگری، به علت فقدان اسلحه‌های لازم، سقوط کرد و اغلب شهرها نیز که «ستاد مرکزی» بودند، تسلیم شدند.

تلفاتی که از این جنگ حاصل شد «صرف نظر از خسارت‌های مادی که بسیار زیاد بوده» آثار صحیحی ندارد ولی طبق نوشته «ژنرال هولدن» انگلیسی در کتاب «اضطرابات سال ۱۹۲۰ در عراق» از نیروهای انگلیسی و هندی ۲۲۶۹ نفر و از نیروهای ملی مردم مسلمان عراق ۸۴۵۰ نفر مقتول و مجروح شدند که ۳۵۰ نفر از آنها فقط در جبهه نجف الاشراف بقتل رسیده بودند....

گرچه انقلاب بصورت ظاهر شکست خورد، ولی نتیجه فوق‌العاده مهمی که از آن بدست آمد و تاریخ عراق را عوض کرد در شماره بعد مطالعه خواهید کرد.

۵۵۵

گفتیم که علمای شیعه در عراق، و در رأس آنها آیه‌الله میرزا محمد تقی شیرازی و بعد آیه‌الله اصفهانی (شیخ‌الشریعه) مردم را برای مبارزه همه جانبه‌ای با استعمار و بیگانه‌دعوت کرده و از آنها خواستند که در تحصیل حقوق از دست رفته خود و استقلال کشور، برای تأسیس حکومت اسلامی، با تمام قوا بکوشند.

بدون شك نقشی که علمای شیعه در انقلاب استقلال طلبانه عراق داشتند، در رتبه اول قرار داشت، و قبل از تمام علل و عوامل دیگر که شاید بتوان برای انقلاب ملی بزرگ عراق تصور کرد، بایستی اهمیت موقف علمای شیعه را در این مسائل بررسی کنیم و بهتر است که دو این باره فقط بنقل قول یکی دو نفر از مورخین و مطلبین معاصران گفتا کنیم:

«سید عبدالرزاق حسنی» مورخ معاصر عراقی در کتاب «الثورة العراقية الكبرى» مینویسد: «... از مهمترین و اساسی‌ترین عوامل زیاده کشیدن آتش انقلاب، در نظر مورخین و ناظرین سیاسی، رجال دین بودند، برای اینکه علمای شیعه امامیه، مرجع و پناه گناه همه افراد مردم مسلمان در احکام و فتاوی هستند، و شیعه معتقد است که علماء آنها نواب ائمه اطهار (ع) هستند، و لذا با هیچ امر و فتوای آنها مخالفت نمیکنند، عده بسیاری از این علماء

باستثنای گروه خیلیی که معتقد بودند بعلمت ضعف قوا و نقصان نیرو نباید دست باسلحه برد، میگفتند: اسلام با هیچگونه سیطره و تسلط خارجی در هیچ شرایطی سازگار نیست...» (۱) دکتر علی‌الموردی هم در کتاب خود می‌نویسد: «... این مجتهد (شیرازی) فتوی بوجوب قیام علیه مستعمرین را داد و بر مؤمنین مقرر کرد که ذکات اموال خود را برای هزینه مجاهدین بدهند و فقهاء کربلا و نجف و کائومین نقش مهمی در انقلاب سال ۱۹۲۰ م داشتند و پس از آن باز علیه حکومت قیام میکردند تا عاقبت چنانکه همه میدانند آثار آنرا با ایران تبهید کردند. مس بل (۲) میگوید: رجال دین از مؤثرترین و بزرگترین پلغین شورش در عراق بودند و این روش را در خلال جنگ و بعد از آن داشتند و همین امر باعث شد که متصدیان حکومت اقدام بتأسیس مدارس جدید کنند تا دین را در دل نسل جدید ضعیف کنند و با این روش، ریشه شورش را از بیخ برکنند (دقت شود)

دکتر وردی بعد از نقل گفتار مس بل، اضافه میکند که:

«این اعتراف را که مس بل میکند واقعاً قابل تأمل است، شکی نیست که نمایان دینی در جوانان امر و زعمای ضعیف است و این يك موضوع اجتماعی است که هر کس از سایر کشورها بمراق آمده آنرا ملاحظه کرده و ظاهراً مدارس جدید که استعمارگران شروع بتأسیس آنها کردند از جمله وسایلی بود که این نتیجه را داده است...» (۳) این بود خلاصه‌ای از وضع عراق و کیفیت شروع جهاد ضد استعماری و نقش علمای شیعه در آن، امیدواریم که در شماره بعد ارجح بتفصیل و آثار آن و از عراق امروز بحث کنیم.

❦❦❦

۱- الثورة العراقية الكبرى ص ۷۸ ط صیدا - لبنان و همچنین تاریخ العراق السياسي الحديث ج ۱ ط ۲ ص ۱۱۸ و ۱۱۹.

۲- مس بل از مؤثرین سیاسی انگلیس در عراق در زمان انقلاب بود و مقام حساسی داشت و نوشته‌های او ارجح بسیار است خودشان در عراق ارزش تاریخی دارد.

۳- نقش و عاظ در اسلام - پاریس و عاظ السلاطین، تألیف دکتر علی‌الموردی استاد دانشگاه عراق ترجمه محمد علی خلیلی ص ۳۰۸ و ۳۰۹.